



جریان‌شناسی تفسیر سلفی

علی فتاحی



پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

پاییز ۱۳۹۷

فتحی، علی، ۱۳۵۲ اسفند -
جریان شناسی تفسیر سلفی / علی فتحی. - قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۷.
هفده، ۲۹۹ ص: نمودار. - (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه: ۴۵۲: قرآن پژوهی؛ ۴۹)
بها: ۲۱۰۰۰ ریال
فهرست نویسی براساس اطلاعات فیپا.
کتابنامه. ص. [۲۷۳] - ۲۸۷: همچنین به صورت زیرنویس.
نمایه.
۱. تفاسیر اهل سنت. ۲. Qur'an -- *Sunnite hermeneutics. ۳. سلفیه. ۴. Salafiyah. الف. پژوهشگاه حوزه و
دانشگاه. ب. عنوان.
۱۳۹۶ ج ۴ / ف ۱۸ / BP۹۸
شماره کتابشناسی ملی
۲۹۷/۱۷۲۴
۵۰۹۵۶۶۹



جریان شناسی تفسیر سلفی

مؤلف: علی فتحی (عضو هیئت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه): afathi@rihu.ac.ir

ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

صفحه آرای: اعتصام

ویراستار: سیدعلی شاه چراغ

چاپ اول: پاییز ۱۳۹۷

تعداد: ۱۰۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: قم - سبحان

قیمت: ۲۱۰۰۰ تومان

کلیه حقوق برای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۲۵-۳۲۱۱۱۱۰۰ (انتشارات ۳۲۱۱۱۳۰۰)

نمابر: ۳۲۸۰۳۰۹۰، ص. پ. ۳۱۵۱-۳۷۱۸۵

تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، کوی اُسکو، پلاک ۴، تلفن: ۶۶۴۰۲۶۰۰

www.rihu.ac.ir

info@rihu.ac.ir

فروش اینترنتی: www.ketab.ir/rihu



جمهوری اسلامی ایران

شورای عالی علوم، تحقیقات و فناوری

عنوان طرح

جریان‌شناسی تفسیر سلفی

این طرح در سیزدهمین جلسه شورای عالی علوم، تحقیقات و فناوری، مورخ ۱۳۹۲/۴/۲۴ به

تصویب رسیده است.

سخن نخست

در جهان امروز، پیشرفت و توسعه بر مبنای علم و فناوری استوار شده و پژوهش از مهم‌ترین پیشران‌های توسعه در حوزه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی به حساب می‌آید و توفیق پایدار در این زمینه‌ها در صورتی محقق می‌شود که در برنامه‌ریزی‌های هدفمند و کلان، توجه مناسبی به امر پژوهش و توسعه بر مبنای علم و فناوری صورت پذیرد.

در این میان اما حوزه علوم انسانی به دلیل نقش کلیدی و تأثیرگذار آن در زیرساخت‌های فکری فرهنگی جامعه اهمیتی درخور دارد؛ این اهمیت در نظام متکی بر اندیشه اسلامی به دلیل غنا و عمق آموزه‌های دینی نسبت به نیازهای گوناگون انسانی مضاعف به نظر می‌رسد.

از سوی دیگر قرآن کریم به مثابه کتاب هدایت الهی انسان و جامعه و منبع نخست معرفت دینی، همواره برای اندیشمندان دین‌باور و جستجوگر گنج‌نامه‌ای سرشار بوده و جریان‌های گوناگون تفسیری در جغرافیای عالم اسلام، هر یک از منظری به دنبال کشف و ارائه ابعاد هدایتی آن بوده‌اند. مجموعه این تجربه‌های تفسیری به‌رغم اختلافات، امروزه به مثابه رنگین‌کمانی ارزشمند از شیوه‌های فهم و شناخت ابعاد هدایت قرآنی رخ می‌نماید. شکی نیست که در پاسخ به نیازها و پرسش‌های عصری و به دلیل ماهیت فزاینده معرفت و هدایت قرآنی، می‌توان و باید مستند به منطق اجتهادی و قابل دفاع تفسیر، تجربه‌های گذشته را بازخوانی کرد. طبعاً تفسیر ضابطه‌مند قرآن کریم نرم‌افزاری ارزنده برای تولید علوم انسانی اسلامی خواهد بود.

در این راستا شورای عالی علوم، تحقیقات و فناوری پروژه های علمی خاصی را مورد حمایت قرار داده است که طرح کلان نقد و بررسی جریان های تفسیری با اجرای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه از آن جمله بوده است. محصول این طرح اکنون پس از سال ها پژوهش از سوی جمعی از محققان قرآن پژوه به جامعه علمی تقدیم می شود که در اینجا از عموم دست اندرکاران تولید آن در پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و دیگر استادان ارجمند که در تألیف و ارزیابی آن نقش داشته اند، قدردانی می شود.

شورای عالی علوم، تحقیقات و فناوری

سخن پژوهشگاه

پژوهش در علوم انسانی [به منظور شناخت، برنامه‌ریزی و ضبط و مهار پدیده‌های انسانی] در راستای سعادت واقعی بشر ضرورتی انکارناپذیر و استفاده از عقل و آموزه‌های وحیانی در کنار داده‌های تجربی و در نظر گرفتن واقعیت‌های عینی و فرهنگ و ارزش‌های اصیل جوامع، شرط اساسی پویایی، واقع‌نمایی و کارآیی این‌گونه پژوهش‌ها در هر جامعه است.

پژوهش کارآمد در جامعه ایران اسلامی در گرو شناخت واقعیت‌های جامعه از یک‌سو و اسلام به عنوان متقن‌ترین آموزه‌های وحیانی و اساسی‌ترین مؤلفه فرهنگ ایرانی از سوی دیگر است؛ از این‌رو، آگاهی دقیق و عمیق از معارف اسلامی و بهره‌گیری از آن در پژوهش، بازنگری و بومی‌سازی مبانی و مسائل علوم انسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

توجه به این حقیقت راهبردی از سوی امام خمینی رحمته‌الله بنیانگذار جمهوری اسلامی، زمینه شکل‌گیری دفتر همکاری حوزه و دانشگاه را در سال ۱۳۶۱ فراهم ساخت و با راهنمایی و عنایت ایشان و همت اساتید حوزه و دانشگاه، این نهاد علمی شکل گرفت. تجربه موفق این نهاد، زمینه را برای گسترش فعالیت‌های آن فراهم آورد و با تصویب شورای گسترش آموزش عالی در سال ۱۳۷۷ «پژوهشکده حوزه و دانشگاه» تأسیس شد و در سال ۱۳۸۲ به «مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه» و در سال ۱۳۸۳ به «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» ارتقا یافت.

پژوهشگاه تاکنون در ایفای رسالت سنگین خود خدمات فراوانی به جوامع علمی ارائه نموده است که از آن جمله می‌توان به تهیه، تألیف، ترجمه و انتشار ده‌ها کتاب و نشریه علمی اشاره کرد.

این اثر به عنوان منبع درسی در زمینه مکاتب و جریان‌های تفسیری، برای دانشجویان رشته‌های علوم قرآن و حدیث، تفسیر و ادیان و مذاهب اسلامی در مقطع تحصیلات تکمیلی فراهم شده است که البته دیگر علاقه‌مندان به این زمینه تحقیقی نیز می‌توانند از آن بهره‌مند شوند.

از استادان و صاحب‌نظران ارجمند تقاضا می‌شود با همکاری، راهنمایی و پیشنهادهای اصلاحی خود، این پژوهشگاه را در جهت اصلاح کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی یاری دهند.

در پایان پژوهشگاه لازم می‌داند از تلاش‌های مؤلف محترم اثر، جناب حجت‌الاسلام دکتر علی فتحی زنجانی و نیز از ارزیابان محترم اثر، حضرات آقایان حجت‌الاسلام والمسلمین سیدمحمدعلی ایازی و حجت‌الاسلام والمسلمین محمدعلی مهدوی‌راد سپاسگزاری کند. همچنین از نقش حمایتی شورای عالی عتف به‌ویژه سروران معزز کمیسیون علوم انسانی، معارف اسلامی و هنر، از این پروژه در قالب طرح کلان ملی نقد و بررسی جریان‌های تفسیری و نیز پیگیری‌های مجدانه مدیران محترم گروه قرآن‌پژوهی در طول سال‌های اخیر، حضرات آقایان دکتر محمدباقر سعیدی‌روشن، دکتر محمد اسعدی و دکتر سید محمود طیب‌حسینی قدردانی می‌شود.

فهرست اجمالی

پیشگفتار..... ۱

فصل اول: کلیات و مفاهیم

مفهوم‌شناسی ۵

جریان تفسیر سلفی ۱۹

شاخص‌های تفسیر سلفی ۲۱

فصل دوم: سیر تحول و تطّور تاریخی جریان سلفی

بسترها و رگه‌های سلفی‌گری در صدر اسلام ۲۹

سیر تحول تاریخی سلفیه و اصول حاکم بر نگرش فکری آن ۳۶

فصل سوم: تفسیرهای سلفی بر اساس سیر تاریخی

۱. تفسیرهای در سده‌های نخست سلفیه ۹۶

۲. تفسیرهای سلفیه در سده میانی ۱۰۴

۳. تفسیرهای سده‌های اخیر جریان سلفی ۱۲۸

فصل چهارم: بررسی مبناشناختی جریان تفسیر سلفی

۱. نقل‌گرایی و نص‌گرایی افراطی ۱۷۱

۲. ظاهرگرایی افراطی ۱۸۰

۳. مرجعیت بدون ضابطه سلف در تفسیر ۲۰۴

فصل پنجم: بررسی روش شناختی جریان تفسیر سلفی

۲۲۳	۱. تفسیر بی ضابطه از ظواهر آیات
۲۲۶	۲. اختلاف سلفیه با سلف در تفسیر آیات صفات خبری
۲۳۵	۳. پیش‌داوری و تفسیر به رأی
۲۴۰	۴. دستبرد در روایات تفسیری
۲۴۲	۵. استفاده از مکانیزم فرافکنی در تفسیر
۲۴۳	۶. مراعات نکردن انصاف و اخلاق علمی
۲۴۶	۷. مخاطب محوری در تفسیر

فصل ششم: پیامدهای فرهنگی و اجتماعی سلفی‌گری در جهان اسلام

۲۵۰	۱. تکفیر گسترده مخالفان
۲۵۸	۲. توسعه و تفسیر بی ضابطه مفاهیم کلیدی اسلامی
۲۶۰	۳. اتهام مخالفان به بدعت‌گذاری
۲۶۴	۴. ایجاد اختلاف میان مسلمین
۲۶۷	۵. بسترسازی اتهام خشونت‌گرایی به اسلام

۲۶۹	چکیده و نتیجه نهایی
۲۷۳	منابع و مأخذ
۲۸۹	نمایه‌ها

فهرست تفصیلی

پیشگفتار	۱
تفاوت اثر پیش‌رو با آثار مشابه	۳

فصل اول: کلیات و مفاهیم

مفهوم‌شناسی	۵
۱. جریان و جریان‌شناسی	۵
۲. سلفی	۶
مفهوم اصطلاحی سلفیه	۸
الف) سلفیه در اصطلاح سنتی و عام	۸
قلمرو سلف	۹
ب) سلفیه در اصطلاح معاصر و خاص	۱۲
گرایش‌های اصلی جریان سلفیه معاصر	۱۴
پ) تفاوت سلفیه وهابی با سلفیه سنتی و اصلاحی	۱۵
یک) تلقی سلفی‌گری به‌عنوان مذهب	۱۶
دو) رویکرد افراطی و تکفیری	۱۸
۳. جریان تفسیر سلفی	۱۹
تفسیر سلفی	۲۰
شاخص‌های تفسیر سلفی	۲۱
۱. نقل‌گرایی افراطی و خردستیزی	۲۲
۲. ظاهرگرایی افراطی	۲۳
۳. مرجعیت بی‌ضابطه سلف در تفسیر	۲۴
۴. بدعت‌انگاری اندیشه‌ها و مذاهب غیر سلفی	۲۵
۵. مخاطب محوری	۲۶
۶. کتمان یا توجیه روایات تفسیری مربوط به فضائل اهل بیت (علیهم‌السلام)	۲۶

فصل دوم: سیر تحول و تطور تاریخی جریان سلفی

۲۹	بسترها و رگه‌های سلفی‌گری در صدر اسلام
۳۲	۱. خوارج و روح سلفی‌گری
۳۳	۲. اسلام اموی و رویکرد سلفی‌گری
۳۶	سیر تحول تاریخی سلفیه و اصول حاکم بر نگرش فکری آن
۳۶	۱. مرحله شکل‌گیری سلفی‌گری نقلی
۳۸	شخصیت‌های تأثیرگذار
۳۸	الف) احمد بن حنبل
۴۲	عناصر سلفی‌گری احمد بن حنبل
۴۷	ب) حسن بن علی بر بهاری، سلفی افراطی
۵۱	پ) ابن بَطَّه عُنْبَری
۵۲	۲. مرحله نظام‌سازی فکری؛ سلفی‌گری نظری - عقیدتی
۵۳	شخصیت‌های اثرگذار
۵۳	الف) ابن تیمیه، بنیان‌گذار فکری سلفیه
۵۶	ابن تیمیه از منظر دانشمندان مسلمان
۵۷	۱. انکار مسلمات با ادعای اجماع:
۵۸	الف) ادعای اجماع بر نفی تأویل صفات:
۵۸	ب) ادعای اجماع بر عدم نزول آیه ۵۵ سوره مائده درباره امام علی <small>علیه السلام</small> :
	پ) ادعای اجماع بر دروغ بودن نزول آیات ۸ و ۹ سوره انسان درباره
۵۹	اهل بیت <small>علیهم السلام</small> :
۵۹	ت) ادعای اجماع درباره برتری خلفای سه‌گانه بر امام علی <small>علیه السلام</small> :
۶۰	۲. ادعاهای خلاف واقع ابن تیمیه:
۶۱	۳. اعتبار بخشی به مرجعیت مطلق سلف:
۶۲	۴. مبارزه با مرجعیت علمی و تردیدافکنی در فضائل اهل بیت <small>علیهم السلام</small> :
۶۵	ب) ابن قیم جوزی
۶۷	پ) ابن کثیر
۶۷	۳. مرحله تأسیس؛ سلفی‌گری سیاسی - مذهبی
۶۹	جریان سلفیه به لحاظ خاستگاه
۷۰	الف) سلفیه وهابی
۷۰	محمد بن عبدالوهاب، پیشوای سلفیه افراطی
۷۲	پیمان تاریخی محمد بن عبدالوهاب و محمد بن سعود
۷۴	تأثیر سلفیه وهابی بر دیگر جنبش‌های سلفی
۷۵	شاخه‌های سلفیه وهابی

۷۶	یک) سلفیه رسمی (درباری).....
۷۷	دو) سلفیه اخوانی.....
۷۸	سه) سلفیه سروریه.....
۷۹	چهار) سلفیه جهادی.....
۸۱	پنج) سلفیه تکفیری.....
۸۱	شش) نو سلفیه.....
۸۲	ب) سلفیه زیدیه.....
۸۳	یک، گرایش سلفی ابن‌الوزیر.....
۸۴	دو، گرایش سلفی ابن‌الامیر.....
۸۵	سه، سلفی‌گری شوکانی.....
۸۶	پ) سلفیه اصلاحی.....
۹۰	ت) سلفیه دیوبندیه.....
۹۲	چکیده فصل.....

فصل سوم: تفسیرهای سلفی بر اساس سیر تاریخی

۹۶	۱. تفسیرهای در سده‌های نخست سلفیه.....
۹۶	الف) تفسیر جامع البیان ابن‌جریر طبری.....
۹۷	سلفی‌گری طبری در تفسیر.....
۹۷	یک) نقل‌گرایی افراطی.....
۹۸	دو) اهتمام به اقوال سلف در تفسیر.....
۹۹	سه) کتمان یا توجیه روایات فضائل اهل بیت (علیهم‌السلام).....
۹۹	چهار) ظاهرگرایی در تفسیر آیات صفات.....
۱۰۲	ب) تفسیر ابوالمظفر سمعانی.....
۱۰۲	سلفی‌گری سمعانی در تفسیر.....
۱۰۲	یک) تبعیت از سلف.....
۱۰۳	دو) ظاهرگرایی افراطی.....
۱۰۴	سه) دیدگاه جانبدارانه یا توجیه فضائل اهل بیت (علیهم‌السلام).....
۱۰۴	۲. تفسیرهای سلفیه در سده میانی.....
۱۰۵	الف) تفسیر ابن‌تیمیه.....
۱۰۶	سلفی‌گری ابن‌تیمیه در تفسیر.....
۱۰۶	یک) تفسیر گزینشی و نگرش ابزاری.....
۱۰۸	دو) برخورد گزینشی و مخالفت با اقوال معارض سلفیه.....
۱۱۰	سه) ظاهرگرایی در تفسیر آیات صفات.....
۱۱۴	چهار) انکار مجاز در قرآن.....
۱۱۵	ب) تفسیر القیم، ابن‌قیم جوزی.....

۱۱۶	سلفی‌گری ابن‌قیم در تفسیر
۱۱۶	یک) تفسیر گزینشی آیات قرآن
۱۱۶	دو) ظاهرگرایی افراطی در آیات صفات خبری
۱۱۷	سه) اتهام مخالفان به بدعت‌گذاری
۱۱۸	چهار) کتمان یا توجیه فضائل اهل بیت (علیهم‌السلام)
۱۱۸	پنج) پایبندی به مرجعیت سلف
۱۱۹	پ) تفسیر القرآن العظیم، ابن‌کثیر
۱۲۰	سلفی‌گری ابن‌کثیر در تفسیر
۱۲۰	یک) مرجعیت سلف در تفسیر
۱۲۰	دو) کتمان یا توجیه فضائل اهل بیت (علیهم‌السلام)
۱۲۲	سه) نقل‌گرایی
۱۲۳	چهار) انحراف از روش عدم نقل اسرائیلیات
۱۲۴	پنج) ظاهرگرایی در تفسیر صفات
۱۲۶	ت) تفسیر روائع التفسیر، ابن‌رجب حنبلی
۱۲۷	سلفی‌گری ابن‌رجب در تفسیر
۱۲۷	یک) مرجعیت سلف در تفسیر
۱۲۷	دو) تفسیر گزینشی و جانبدارانه
۱۲۷	سه) ظاهرگرایی در آیات صفات
۱۲۸	۳. تفسیرهای سده‌های اخیر جریان سلفی
۱۲۹	الف) فتح البیان فی مقاصد القرآن، قنوجی
۱۲۹	سلفی‌گری قنوجی در تفسیر
۱۲۹	ظاهرگرایی در تفسیر آیات صفات
۱۳۱	ب) محاسن التأویل، قاسمی
۱۳۲	سلفی‌گری قاسمی در تفسیر
۱۳۲	یک) مرجعیت سلف در تفسیر
۱۳۳	دو) ظاهرگرایی در صفات خبری
۱۳۵	پ) تفسیر المنار، عبده و رشیدرضا
۱۳۶	سلفی‌گری رشیدرضا در تفسیر
۱۳۶	یک) تصریح رشیدرضا بر سلفی‌گری
۱۳۷	دو) جانبداری و تجلیل از بزرگان سلفیه، به‌ویژه ابن‌تیمیه
۱۳۹	سه) پذیرش مرجعیت سلف در تفسیر
۱۴۳	ت) تیسیر الکریم الرحمن فی تفسیر الکلام المنان، سعدی
۱۴۳	سلفی‌گری سعدی در تفسیر
۱۴۳	یک) پایبندی به مرجعیت سلف
۱۴۴	دو) اهتمام به نیاز مخاطبان

۱۴۴	سه) ظاهرگرایی در تفسیر صفات الهی.....
۱۴۶	چهار) کتمان یا توجیه فضائل اهل بیت (علیهم السلام).....
۱۴۸	ث) أضواءالبیان فی ایضاح القرآن بالقرآن، شنقیطی.....
۱۴۹	سلفی‌گری شنقیطی در تفسیر.....
۱۴۹	یک) ظاهرگرایی افراطی در تفسیر.....
۱۵۱	دو) انکار مجاز.....
۱۵۱	سه) اعتماد به سلف در تفسیر.....
۱۵۲	ج) الكنز الثمین تفسیر ابن عثیمین.....
۱۵۴	سلفی‌گری ابن عثیمین در تفسیر.....
۱۵۴	یک) ظاهرگرایی افراطی.....
۱۵۵	دو) پذیرش مرجعیت سلف و پیروی از ابن تیمیه.....
۱۵۵	سه) اتهام مخالفان به بدعت‌گذاری.....
۱۵۶	چهار) کتمان و تردیدافکنی در فضائل اهل بیت (علیهم السلام).....
۱۵۷	چ) أیسر التفاسیر لکلام العلی الکبیر، جزائری.....
۱۵۹	سلفی‌گری جزائری در تفسیر.....
۱۵۹	یک) مرجعیت سلف در تفسیر.....
۱۵۹	دو) ظاهرگرایی افراطی در آیات صفات خبری.....
۱۶۰	سه) اتهام بدعت‌گذاری به مخالفان.....
۱۶۰	چهار) تصفیه یا توجیه فضائل اهل بیت (علیهم السلام).....
۱۶۰	ح) التدریب والبیان فی تفسیر القرآن بصحیح السنن، مغراوی.....
۱۶۲	سلفی‌گری مغراوی در تفسیر.....
۱۶۲	یک) ظاهرگرایی افراطی در آیات صفات خبری.....
۱۶۳	دو) پایبندی به مرجعیت سلف و مفسران سلفیه.....
۱۶۴	سه) نقل‌گرایی افراطی.....
۱۶۴	چهار) مخاطب محوری.....
۱۶۵	پنج) بدعت‌انگاری اندیشه مخالفان.....
۱۶۶	شش) کتمان یا توجیه فضائل اهل بیت (علیهم السلام).....
۱۶۸	چکیده فصل.....

فصل چهارم: بررسی مبناشناختی جریان تفسیر سلفی

۱۷۱	۱. نقل‌گرایی و نص‌گرایی افراطی.....
۱۷۳	نادیده‌گرفتن نقش عقل در تفسیر.....
۱۷۷	بررسی و نقد.....
۱۷۷	یک) کنار نهادن عقل مخالف آموزه‌های صریح قرآن.....
۱۷۷	دو) همسان‌انگاری تفسیر عقلی با تفسیر به رأی.....

۱۷۸	سه (جعلی دانستن احادیث فضیلت عقل
۱۷۹	چهار (تقدیم ظواهر نقلی بر مسلمات عقلی
۱۸۰	۲. ظاهرگرایی افراطی
۱۸۶	مؤلفه‌های ظاهرگرایی سلفیه در تفسیر
۱۸۶	الف) انکار تأویل ضابطه‌مند
۱۹۰	بررسی و نقد
۱۹۰	یک (کاربرد تأویل در زبان متعارف عقلایی
۱۹۱	دو) موارد نقض تأویل در تفاسیر سلفی
۱۹۳	سه) علل و انگیزه‌های خاص پرهیز از تأویل
۱۹۳	ب) انکار مجاز در قرآن
۲۰۱	بررسی و نقد
۲۰۱	یک (کاربرد مجازی، کاربرد متعارف
۲۰۲	دو) خلط میان مجاز ادبی و مجاز فلسفی
۲۰۳	سه) موارد نقض در آثار منکران مجاز
۲۰۳	چهار) ناتوانی از ارائه جایگزین کارآمد برای مجاز
۲۰۴	۳. مرجعیت بدون ضابطه سلف در تفسیر
۲۰۶	برتری سلف بر دیگران
۲۰۶	الف) مستند روایی؛ روایت خیر القرون
۲۰۷	بررسی و نقد
۲۰۷	یک (بررسی سند روایت خیر القرون
۲۰۸	دو) بررسی معنای روایت خیر القرون
۲۰۸	۱) عدم تطابق معنای واژه قرن با تفسیر سلفیه
۲۰۹	۲) اختلاف نظر درباره مراد از خیر در روایت
۲۱۰	۳) تعارض با روایات دیگر و آیات قرآنی
۲۱۱	۴) ناسازگاری با واقعیت‌های تاریخی
۲۱۳	ب) مستند قرآنی، آیه رضوان
۲۱۶	بررسی و نقد
۲۱۶	یک (اختلاف در عدالت صحابه
۲۱۷	دو) اعتراف به اختلاف سلف در تفسیر
۲۱۸	چکیده فصل

فصل پنجم: بررسی روش شناختی جریان تفسیر سلفی

۲۲۳	۱. تفسیر بی ضابطه از ظواهر آیات
۲۲۶	۲. اختلاف سلفیه با سلف در تفسیر آیات صفات خبری
۲۳۵	۳. پیش‌داوری و تفسیر به رأی

۲۴۰دستبرد در روایات تفسیری
۲۴۰الف) حذف کامل حدیث
۲۴۱ب) تبدیل بخشی از حدیث و تبدیل آن به کلمات مبهم
۲۴۱پ) حذف آثار و مستندات حَقانیت شیعه در چاپ‌های اخیر
۲۴۲۵. استفاده از مکانیزم فرافکنی در تفسیر
۲۴۳۶. مراعات نکردن انصاف و اخلاق علمی
۲۴۶۷. مخاطب محوری در تفسیر
۲۴۷چکیده فصل

فصل ششم: پیامدهای فرهنگی و اجتماعی سلفی‌گری در جهان اسلام

۲۵۰۱. تکفیر گسترده مخالفان
۲۵۸۲. توسعه و تفسیر بی ضابطه مفاهیم کلیدی اسلامی
۲۶۰۳. اتهام مخالفان به بدعت‌گذاری
۲۶۴۴. ایجاد اختلاف میان مسلمین
۲۶۷۵. بسترسازی اتهام خشونت‌گرایی به اسلام
۲۶۷چکیده فصل
۲۶۹چکیده و نتیجه نهایی

منابع و مأخذ

۲۷۳الف) کتاب‌ها
۲۸۶ب) مقالات
۲۸۶پ) منابع لاتین

نمایه‌ها

۲۸۹نمایه آیات
۲۹۳نمایه روایات
۲۹۵نمایه اصطلاحات
۲۹۷نمایه اشخاص

پیشگفتار

بسم الله الرحمن الرحيم

«قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُوا إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي وَ سُبْحَانَ اللَّهِ مَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ»^۱

اصل بازگشت به اسلام ناب، همواره آرزو و آرمان اندیشمندان اسلامی بوده و در گام‌های نخست خود با شعارها و اهداف مبارکی چون اصلاح جامعه بر اساس الگوی نخستین اسلامی و با احیای امر به معروف و نهی از منکر و مبارزه با خرافه‌ها و رفتارهای بدعت‌آمیز مسلمانان، وارد عرصه جامعه اسلامی شد؛ هرچند تفسیر و مصداق آن هیچ‌گاه یکسان نبوده است.

بازگشت به اسلام نخستین، در دوران معاصر، دست‌کم با دو تفسیر و دو مصداق بارز در جوامع اسلامی بروز یافته است:

۱. اصول‌گرایی اسلامی و تفسیر عقلی که در میان عالمان اسلامی و اصلاح‌گران از عصر سیدجمال تا امام خمینی رحمته‌الله مطرح و نمونه بارز آن، تشکیل حکومت مردم‌سالاری دینی بر پایه آموزه‌های اسلام ناب و بر اساس نظام ولایت فقیه بود که در برابر اسلام متحجر و التقاطی بر پا شد. از همین رو همواره با چالش‌های جدی و مخالفت‌های استکبار جهانی و سرسپردگان آنها همچون آل‌سعود و مانند آن روبه‌رو بوده است.

۲. تفسیری با شعار سلفی‌گری به رهبری محمدبن‌عبدالوهاب با داعیه خلافت اسلامی که با پشتیبانی سیاسی آل‌سعود و پیوند آنها با آل‌شیخ در سرزمین وحی شکل گرفت و از بدو پیدایش، در کانون توجه و حمایت همه‌جانبه دشمنان اسلام بود. توضیح آنکه پس از فروپاشی

امپراطوری عثمانی در ۱۹۲۵ میلادی، مهم‌ترین دغدغه مسلمانان اهل سنت، خلافت بود و شماری از متفکران آنان در مصر، برای نخستین بار راهکار اصلی برون‌رفت از آن وضعیت اسفناک را بازگشت به سلف دانستند؛ هرچند وهابیان از این شعار سوء استفاده کرده، خود را سلفی نامیده و افکار ابن تیمیه را در جایگاه رهبری فکری سلفیه ترویج کردند.^۱

جریان سلفی‌گری، با ادعای پیروی از اسلام ناب، تفسیر انحصاری و انعطاف‌ناپذیر از قرآن کریم و سنت سلف و عملکردهای خشونت‌آمیز، پیامدهای زیانباری برای جهان اسلام داشته، سبب خدشه‌دار شدن وجهه اندیشه‌های ناب اسلامی شده است. متأسفانه قرائت سلفی افراطی از اسلام، اقبال ویژه دشمنان دیرینه اسلام را برای ضربه وارد کردن به این آیین جاودانی و عقلانی را در پی داشته است.

نگرش سلفی‌گری بر تفسیر سطحی از متون دینی، نفی تأویل و نادیده گرفتن نقش عقل در تفسیر استوار بوده است. این نوع نگرش به دلیل خویشاوندی آن با مکتب اهل حدیث، در میان اهل سنت نمود و پیروان بیشتری داشته و به تدریج به یک جریان فکری تبدیل شده است؛ البته رویکرد ظاهرگرایانه به تفسیر متون اسلامی، از جمله قرآن و سنت، با اختلاف در تحلیل و مبانی در میان اخباری‌گری سنتی، اخباری‌گری جدید و مکتب تفکیک، در دهه‌های اخیر پیروانی داشته؛ با این تفاوت بنیادین که این رویکردها به برکت روایات اهل بیت (علیهم‌السلام)، در دام ظاهرگرایی افراطی سلفیه، گرفتار نشده است. برای نمونه، با اینکه اعتماد به ظاهر آیات و روایات و رد هرگونه تأویل، از جمله اصول اساسی مکتب تفکیک بوده، اما تأویل‌های مطابق با اصول زبان عربی نیز معقول شمرده شده است. همچنین پیروان مکتب تفکیک، بر جدایی و تمایز راه عرفان و فلسفه از مسیر دین تأکید می‌کنند؛ اما همچون سلفیه، با عقل، فلسفه و عرفان سرسستیز نداشته، محصول نگرش عقلی را بدعت و خرافه نمی‌شمارند.^۲

با توجه به گسترش و ترویج گرایش‌های سلفی‌گری در جهان اسلام که عمدتاً مبتنی بر تفسیر ظاهری خاص از قرآن و سنت است، مبانی و روش فهم آنها از اسلام و قرآن، نیازمند بازخوانی است؛ از این رو لازم است جریان تفسیر سلفی و تمایز آن با تفسیر اصیل اسلامی

۱. بوطی، السلفیه مرحلة زمنية مباركة لا مذهب اسلامی، ص ۲۳۱.

۲. ر.ک: حکیمی، عقل خودبنیاد دینی، ص ۳۹ - ۴۰؛ همو، مکتب تفکیک، ص ۱۸۱؛ اسلامی، رؤیای خلوص، بازخوانی مکتب تفکیک، ص ۴۰ - ۴۷.

روشن شود. افزون بر آن، نفس شناسایی، تبیین و تحلیل جامع تفسیر سلفی که یک جریان با اهمیت و اثرگذار در مطالعات قرآن پژوهی است، برای محققان و دانشجویان رشته‌های تفسیر، علوم قرآنی، تاریخ و کلام اسلامی ضروری است.

تفاوت اثر پیش‌رو با آثار مشابه

تاکنون درباره سلفیه و شاخه‌های آن به صورت کلی و پراکنده، آثار فراوانی نگاشته شده؛ اما در خصوص جریان تفسیر سلفی، مبانی و روش تفسیری آن، تاکنون پژوهشی جامع، مستقل و شایسته انجام نشده است. البته عالمان سلفیه، در این راستا تلاش‌های جانبدارانه‌ای در حد معرفتی اجمالی، و نه بیش از آن، انجام داده‌اند. برای نمونه، مغراوی؛ یکی از نویسندگان معاصر سلفی، با تقسیم تفاسیر به سلفی و خلفی، به معرفی تفاسیر و مفسران سلفیه پرداخته و سلفی‌گری را ستوده است. درباره تفسیر سلفی معاصر نیز اثری با عنوان *المدرسة السلفية في التفسير في العصر الحديث*، توسط اهل سنت نگاشته شده که به صورت اجمالی به معرفی جریان سلفی، عناصر، اصول و مصادر آن با تکیه بر تفسیر المنار پرداخته است. تنها اثری که به جوانبی از تفسیر سلفی اشاره کرده، مقاله «آسیب شناسی جریان تفسیر سلفی» است که در ضمن جلد اول کتاب *آسیب شناسی جریان‌های تفسیری آمده* است. این اثر نیز از آنجاکه شاید در صدد شناسایی کامل جریان تفسیر سلفی، به ویژه سلفی معاصر نبوده، به صورت کلی و پراکنده به آسیب شناسی روشی و گاه مبنایی این جریان پرداخته و در آن، تمایز این جریان سلفیه با جریان‌های دیگر، از جمله جریان تفسیر روایت‌گرا و اشعری، چندان روشن نشده است.

این نوشتار با اهداف: معرفی جریان تفسیر سلفی معاصر به جامعه علمی و پژوهشی کشور، آشنایی با سیر تحول و تطوّر جریان تفسیر سلفی از آغاز تاکنون، بررسی مبانی نظری و روش تفسیری جریان سلفی و تحلیل پیامدهای فرهنگی و اجتماعی آن در جامعه اسلامی، نخست، جریان سلفی، شخصیت‌های اثرگذار و جایگاه آن در جهان اسلام، و به طور خاص، رویکرد تفسیری آن را کاویده، و در صدد است با شناسایی و واکاوی جریان سلفیه، به ویژه سلفیه افراطی و با تأکید بر آثار تفسیری آنها، مبانی مهم نظری و روش تفسیری آن جریان را استخراج، تحلیل و تبیین کند.

روش به کار رفته در این پژوهش، توصیفی - تحلیلی است؛ بدین معنا که ابتدا به توصیف، سپس به بررسی تحلیلی جریان سلفی‌گری، مبانی نظری و روش شناسی آن در حوزه فهم و تفسیر قرآن و نیز پیامدهای فکری، فرهنگی و اجتماعی آن در جامعه اسلامی پرداخته است.

از آنجاکه بیشتر مفسران سلفیه، وامدار دیدگاه‌های سلفی ابن تیمیه بوده و تقریباً سخن جدیدی ابراز نکرده‌اند، از این‌رو در این اثر، به دیدگاه‌های سلفی‌گرایانه ابن تیمیه بیش از دیگران توجه شده، و دیدگاه دیگر مفسران سلفیه، در ضمن معرفی اثر تفسیری آنها مطابق با شاخص‌های تفسیر سلفیه، به صورت عینی گزارش شده، و نگارنده کوشیده است از تعصب، پیش‌داوری و قضاوت جانبدارانه بپرهیزد. از این‌رو داوری نهایی بر عهده خوانندگان فهیم واگذار شده است. با وجود بضاعت مزجات نگارنده، این پژوهش از گام‌های اولیه در این عرصه بوده، برای رسیدن به کمال مطلوب و رفع کاستی‌های آن، دست دانشمندان فرهیخته را به گرمی می‌فشارد.

در پایان، از همه بزرگوارانی که از اندیشه و قلمشان در نگارش این اثر بهره برده‌ام، به‌ویژه ارزیابان محترم، جناب حجت‌الاسلام والمسلمین آقای سید محمدعلی ایازی و جناب حجت‌الاسلام والمسلمین آقای محمدعلی مهدوی‌راد که با نکته‌سنجی‌های ارزنده خویش بر غنای آن افزودند و نیز جناب حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر محمد اسعدی، دانش‌پژوهان محترم رشته تفسیر تطبیقی و علوم و معارف قرآن سطح چهار جامعه الزهراء (عج)، مدیر محترم گروه قرآن‌پژوهی، ویراستار ارجمند جناب آقای سید علی شاهچراغ و همه عزیزانی که در بازخوانی، آماده‌سازی و نشر آن سهم بوده‌اند به‌ویژه برادر ارجمند جناب آقای سیدعدنان اسلامی، که زحمت بازخوانی آن را به نحو شایسته به انجام رساند، از صمیم قلب سپاسگزاری کرده، توفیق همگان را از ایزد منان خواستارم.

امیدوارم خداوند متان این اثر ناچیز را، که بنا به عهد، به ساحت قدسی پیامبر حکمت و رحمت، حضرت محمد مصطفی (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و خاندان پاکش تقدیم می‌شود، ذخیره سفر آخرت نگارنده نادار قرار دهد.

«وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ»

علی فتحی زنجانی

۲۷ رمضان المبارک ۱۴۳۸ق

فصل اول

کلیات و مفاهیم

مفهوم‌شناسی

شناخت دقیق اصطلاحات کلیدی هر پژوهش، برای برقراری تفاهم و زبان مشترک و اشتراک‌گذاری مطالب، ضروری است. یک مفهوم و اصطلاح علمی، صرف‌نظر از ریشه‌یابی زبان‌شناسانه و تعاریف فرهنگ‌نامه‌ای، در هر شاخه علمی کاربردی خاص دارد که توجه به آن، به‌ویژه در هنگام فراگیری طیف‌های گوناگون، از اهمیتی دوچندان برخوردار است؛ بنابراین برای شناخت عنوان «جریان‌شناسی تفسیر سلفی»، در این فصل به تبیین مفاهیم جریان، جریان‌شناسی، سلفیه و تفسیر سلفی می‌پردازیم.

۱. جریان و جریان‌شناسی

جریان در لغت از واژه «جری» مقابل سکون، گرفته شده و در فرهنگ‌های لغت به معنای حرکت مستمر و عمدتاً رو به گسترش در طول مکان^۱ و نیز حرکت در میان افراد و اشخاص آمده است؛ از این‌رو در زبان عربی، کنیز را به دلیل جنب و جوش دائمی در خدمت‌رسانی، جاریه می‌گویند.^۲ جریان گاه به صورت اسم برای توصیف یک امر ثبات‌نیافته نیز به کار می‌رود؛ به عبارت دیگر به امری که در حال شکل‌گیری بوده، به کمال خود نرسیده گفته می‌شود. بدین ترتیب روند شکل‌گیری یک ایده و نظر و سیر تطور تاریخی آن با در نظر گرفتن فرازها و فرودها و آثار آن در عرصه اجتماع را «جریان» گویند.^۳ اگر یک اندیشه ذهنی در کنش‌ها و واکنش‌های فردی و

۱. ابراهیم مصطفی و دیگران، معجم الوسیط، ص ۱۱۹ و ۴۶۷.

۲. ابن فارس، ترتیب مقایس اللغة، ص ۱۷۵.

۳. شعبانی سارویی، جریان‌شناسی فرهنگی ایران، ص ۲۴.

اجتماعی، تجلی و تبلور نیابد، به یک جریان تبدیل نمی‌شود. بنابراین، اندیشه‌هایی که به یک جریان تبدیل می‌شوند، اثرگذار بوده، از ارزش و اهمیت بیشتری برخوردارند. جریان‌شناسی نیز در مفهوم کلی، عبارت از شناخت چگونگی شکل‌گیری و بررسی منظومه فکری چهره‌های برجسته و تأثیرگذار در گروه‌های فکری، فرهنگی، سیاسی و مانند آن است. البته جریان می‌تواند سطوح مختلفی داشته باشد؛ از این‌رو ممکن است در درون یک جریان، جریان‌های خرد یا طیف‌ها و گروه‌های مختلف باشد.

۲. سلفی

سلفی در زبان عربی در اصل از «سلف» در مقابل «خَلَف» و به معنای گذشته، پیشین،^۱ پیش‌فرستادن عمل شایسته و مانند آن،^۲ گذشتگان از اجداد و خویشان،^۳ قرض و پیش‌فروش^۴ آمده است.^۵ در پیش‌فروش، قیمت کالا پیشاپیش و به صورت نقدی پرداخت می‌شود؛ ولی دریافت کالای مورد معامله، در آینده صورت می‌گیرد؛ از این‌رو به آن، «بیع سلف» اطلاق می‌شود.^۶ برخی واژه‌کاوان، قید سن و فضل را نیز بر آن افزوده‌اند.^۷ در فرهنگ‌های فارسی نیز سلف به آن که یا آنچه در گذشته وجود داشته، اطلاق شده است.^۸ در قرآن کریم نیز واژه سلف و مشتقات آن،^۹ مطابق معنای لغوی، گاه به معنای گذشته

۱. راغب، مفردات ألفاظ القرآن، ص ۳۹۸؛ ابن‌فارس: السلف، السین واللام و الفاء، أصل يدل على تقدّم وسبق من ذلك السلف، الذين مضوا، والقوم السلف: المتقدمون. (ابن‌فارس، ترتیب مقایس اللغة، ص ۴۵۹).
۲. ازهری، تهذیب اللغة، ج ۱۲، ص ۲۹۹. ۳. فیروزآبادی، القاموس المحيط، ج ۳، ص ۲۲۴.
۴. فراهیدی، کتاب العین، ج ۷، ص ۲۵۸؛ ابن‌فارس، ترتیب مقایس اللغة، ص ۴۵۹؛ ابن‌منظور، لسان العرب، ج ۹، ص ۱۵۸.
۵. تهانوی، موسوعة اصطلاحات والفنون، ج ۱، ص ۹۶۸؛ ابن‌فارس، ترتیب مقایس اللغة، ص ۴۵۹.
۶. سلف و سلم هر دو در لغت به معنای پیشین و تقدّم آمده است. از نظر برخی این دو واژه به یک معناست؛ ولی سلم در زبان اهل حجاز و سلف در میان اهل عراق رایج است. «بیع سلم» یا «سلف» نیز به این اعتبار است که قیمت کالا، پیشاپیش و قبل از تحویل آن پرداخته می‌شود (تهانوی، موسوعة اصطلاحات والفنون، ج ۱، ص ۹۶۹؛ راغب، مفردات ألفاظ القرآن، ص ۳۹۸؛ ازهری، تهذیب اللغة، ج ۱۲، ص ۲۹۹).
۷. والسلف من تقدمك من آبائك وذوي قرابتك الذين هم فوقك في السن والفضل (ازهری، تهذیب اللغة، ج ۱۲، ص ۲۹۹؛ ابن‌منظور، لسان العرب، ج ۹، ص ۱۵۹؛ ابن‌اثیر، النهاية فی غریب الاثر، ج ۲، ص ۳۹۰).
۸. انوری، فرهنگ بزرگ سخن فارسی، ج ۵، ص ۴۲۳۴.
۹. ر. ک: «عَقَا اللّٰهُ عَمَّا سَلَفَ»، (مانده، ۹۵)؛ «قُلْ لِلَّذِينَ كَفَرُوا اِنْ يَنْتَهُوا يُعْطَرْ لَهُمْ مَا قَدْ سَلَفَ»، (انفال، ۳۸)؛ «كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا اَسْلَفْتُمْ فِي الْاَيَّامِ الْخَالِيَةِ» (حاقة، ۲۴؛ نساء، ۲۳؛ مانده، ۹۵؛ بقره، ۲۷۲).

و تقدم اعمال^۱ و گاه به معنای تقدم زمانی و مایه عبرت آموزی از گذشته و گذشتگان^۲ به کار رفته است.^۳ در روایات نیز اغلب به همین دو وجه به کار رفته است؛ همانند روایت معروف نبوی که در لحظات واپسین عمرشان به حضرت زهرا (علیها السلام) فرمود: «إِنَّكَ أَوْلُ أَهْلِي لِحُوقَابِي، وَنِعَمَ السَّلْفُ أَنَا لَكَ».^۴ بنابراین، معنای مشترک و قدر جامع کاربردهای قرآنی و روایی همان معنای لغوی است و مفهوم پردازی واژه سلف و معنای اصطلاحی مورد نظر سلفی‌ها، هرگز در آیات و روایات به کار نرفته است و معنای اصطلاحی سلفیه را باید در دوره‌های بعدی جست.

واژه سلف در سده‌های نخست به همان معنای لغوی آن و در نهایت، به صاحبان علم و فضل از عالمان گذشته اطلاق می‌شده است؛^۵ برای نمونه، ابن‌شهاب زهري (۱۲۵ق) درباره استخوان حیوانات مرده‌ای، مانند فیل و... می‌گوید: «أَذْرَكْتُ نَاسًا مِنْ سَلْفِ الْعُلَمَاءِ يَمْشِيُونَ بِهَا وَيَدَّهِنُونَ فِيهَا لِأَيُّرُونَ بِهِ بَأْسًا»؛^۶ «افرادی از علمای سلف را دیدم که با آن (استخوان فیل) شانه می‌کردند و در آن روغن مالی می‌کردند و استعمال آن را گناه نمی‌شمردند». در موطأ مالک بن انس نیز درباره روزه شش روز اول شوال آمده است: «إِنِّي لَمْ أَرِ أَحَدًا مِنْ أَهْلِ الْعِلْمِ وَالْفِقْهِ يَصُومُهَا وَلَمْ يَبْلُغْنِي ذَلِكَ عَنْ أَحَدٍ مِنَ السَّلْفِ وَإِنَّ أَهْلَ الْعِلْمِ يَكْرَهُونَ ذَلِكَ».^۷ بنابراین، واژه سلف دست‌کم تا سده سوم؛ یک اصطلاح با کاربرد محدود بوده و از اواخر سده سوم به تدریج در ادبیات اسلامی وارد شده است و پیش از آن، در آثار و منابع اسلامی، اثری از آن به معنای اصطلاحی کنونی آن پیدا نمی‌شود.^۸

تعبیر سلفیه در طی سده‌های چهارم تا هفتم هجری به عنوان معادلی برای اصحاب حدیث، نه تنها برای اهل سنت که برای اخباریان شیعه نیز کاربردی محدود داشته است.^۹ آنچه تا قرن

۱. یونس، ۳۰

۲. زخرف، ۵۶

۳. دامغانی، الوجوه والنظائر، ص ۲۷۹ - ۲۸۰: تفسیر السلف في القرآن على وجهين: العبرة و ماتقدم، فوجه منهما، السلف: العبرة والعظة، قوله - تعالى - في سورة الزخرف: «فَجَعَلْنَاهُمْ سَلْفًا» (زخرف، ۵۶). یعنی عظة وعبرة لمن يأتي بعدهم. والوجه الثاني: السلف: ما تقدم من الزمن الأول، قوله - تعالى - في سورة النساء: «وَأَنْ تَجْمَعُوا بَيْنَ الْأُخْتَيْنِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ» (نساء، ۲۳)، أي: مَضَى مِنَ الزَّمَنِ الْأَوَّلِ.

۴. مسلم، صحيح مسلم، فضائل الصحابة، باب فضائل فاطمة، ج ۵، ص ۵۷، ح ۹۹.

۵. ر. ک: ازهری، تهذيب اللغة، ج ۱۲، ص ۲۹۹؛ ابن منظور، لسان العرب، ج ۹، ص ۱۵۹.

۶. بخاری، صحيح البخاری (كتاب الوضوء) باب ۱۶۷، ج ۱، ص ۱۷۰.

۷. مالک بن انس، الموطأ، كتاب الصيام، باب جامع الصيام، ص ۲۹۲.

۸. بوطی، السلفية مرحلة زمنية مباركة لا مذهب إسلامی، ص ۱۹.

۹. صفدی، الوافی بالوفیات، ج ۱، ص ۱۰۸، شهرستانی، الملل والنحل، ج ۱، ص ۱۴۷.

هفتم رایج بوده، اصطلاح اهل حدیث و اصحاب حدیث بوده و تا این زمان به مذهبی خاص در مقابل دیگر مسلمین اطلاق نشده است؛^۱ اما از سده هشتم هجری، اصطلاح «سلفیه» در تقابل با مذاهب شناخته‌شده در جهان اسلام، به‌عنوان مذهب سلف مطرح شد.^۲ آنچه سبب شده است این اصطلاح در سده اخیر اهمیتی ویژه پیدا کند، جریان‌های نوظهوری است که خود را مصداق انحصاری سلف می‌دانند؛ از جمله جریان سلفی وهابی که با تلاش محمدبن عبدالوهاب و با حمایت سیاسی آل سعود، در قالب یک مذهب رسمی شکل گرفت. امروزه اصطلاح «سلفی» بر طیف وسیعی از جریان‌های اسلامی و اندیشمندان اهل سنت اطلاق می‌شود که منادی بازگشت به شیوه «سلف» (پیشوایان اهل سنت در سه سده نخست) اند. در این طیف گسترده، دیدگاه‌ها و عملکردهای بسیار متنوعی هست که برخی از آنها روح اسلام را از «سلف» الهام می‌گیرند و بر پایه آن و با توجه به مقتضیات روز، به اجتهاد می‌پردازند؛ اما برخی دیگر در پی پیاده کردن دقیق دیدگاه و سخنان سلف‌اند.

مفهوم اصطلاحی سلفیه

از آنجاکه اصطلاح سلفی، گروه‌های گوناگون با دیدگاه‌های متفاوت را دربرمی‌گیرد،^۳ برای روشن شدن دقیق این اصطلاح، باید مقصود از آن در دو کاربرد نسبتاً متفاوت عام و خاص، بازکاوی شود.

الف) سلفیه در اصطلاح سنتی و عام

اصطلاح «سلفیه» در کاربرد عام، عبارت از گرایش‌هایی است که به پیروی از سلف صالح و الگوپذیری از آنها در اندیشه و عمل فرامی‌خواند که بنا بر آن، اغلب اهل سنت، سلفی قلمداد می‌شوند؛^۴ بنابراین، «سلفی» منسوب به سلف، به کسی گفته می‌شود که خود را ملتزم به قرآن، سنت و پیرو طریقه سلف صالح می‌داند.^۵ سلفی‌گری به معنای تقلید و پیروی از سلف، یعنی

۱. ابوزهره، تاریخ المذاهب الاسلامیه، ص ۱۹۰، صالح، الفرق والجماعات الاسلامیه المعاصره وجدورها التاريخیه، ص ۱۵۷.
۲. هوشنگی و پاکتچی، بنیادگرایی و سلفیه، ص ۷۰-۷۷.
۳. ابورمان، السلفیون والریح العربی، ص ۵۱.
۴. مجموعه باحثین، السلفیه، ص ۱۰۷.
۵. زبیدی، مناهج البحث فی العقیده الاسلامیه فی العصر الحاضر، ص ۱۹-۲۰؛ ابراهیم مصطفی و دیگران، المعجم الوسیط، ج ۱، ص ۴۶۱.

گذشتگان است. «سلف» به کسی اطلاق می‌شود که از شیوه و مذهب او در دین تقلید می‌شود؛ از این رو باید عنایت داشت که اصطلاح «سلفیه» به جریان، «سلفی» به پیروان، و «سلف» به کسانی اطلاق می‌شود که از آنها پیروی می‌شود.

از نظر برخی از عالمان اهل سنت، پیروی از سلف در پابندی به ظاهر تک‌تک کلمات، یا تقلید به موضع‌گیرهای خاص آنان نیست؛ زیرا آنان خود نیز چنین کاری را انجام نداده‌اند؛ بلکه تنها رجوع به اصول و قواعدی است که آنان در تفسیر و تأویل متون دینی و در اجتهاد و تأمل و استدلال در اصول و احکام، معیار و میزان قرار داده بودند.^۱

قلمرو سلف

در اینکه سلف شامل چه کسانی می‌شود، اتفاق نظر وجود ندارد. از نظر برخی، سلف صالح وصف لازمی است که هنگام اطلاق، تنها به صحابه اختصاص داشته، شامل غیر آنها نمی‌شود^۲ و از نظر گروهی دیگر، سلف افزون بر صحابه، شامل تابعان^۳ نیز می‌شود.^۴ ابن حجر عسقلانی، صحابه و تابعان پس از آنان را سلف دانسته است.^۵ قاضی عیاض نیز ضمن این عبارت که: «بین سلف از صحابه و تابعان اختلافی بزرگ در نوشتن علم (حدیث) بود»، از معنای اصطلاحی سلف که صحابه و تابعان اند، خبر می‌دهد؛^۶ از این رو برخی از دانشمندان اسلامی؛ مانند ابوحامد غزالی، ابن تیمیه، ابن کثیر، ابن جوزی و ابن حجر عسقلانی هنگام یادکرد سلف، آن را بر صحابه و تابعان تطبیق کرده‌اند.^۷

عده‌ای دیگر نیز سلف را تا نسل شاگردان تابعان دانسته^۸ و گاه تا فقیهان صاحب مذهب،

۱. بوطی، السلفية مرحلة زمنية مباركة لا مذهب اسلامي، ص ۲۳.

۲. مغراوی، المفسرون بين التأويل والاثبات في آيات الصفات، ص ۱۱ - ۱۲، به نقل از قلشانی، شرح رسالة ابن ابی زید القيروانی، ص ۳۶، مخطوط بالجامعة الإسلامية. رقم ۶۰۴.

۳. عهد صحابه: شامل معاصران نبی اکرم ﷺ تا زمان وفات آخرین صحابی، یعنی انس بن مالک در سال ۱۰۲ هجری است؛ عهد تابعان: متولدان پس از قرن دهم هجری که صحابه را درک کردند و عهد تابعان تابعان: پس از وفات آخرین صحابه، دوران پیروان تابعان است.

۴. غزالی، إلیجام العوام عن علم الکلام، ص ۶۲. ۵. ابن حجر، فتح الباری، ج ۶، ص ۵۱.

۶. سلیم، المنهج السلفی عند الشيخ ناصر الدین الالبانی، ص ۵.

۷. ابوزهره، تاریخ المذاهب الإسلامية، ص ۱۹۰؛ صالح، الفرق والجماعات الإسلامية المعاصرة وجذورها التاريخية، ص ۱۵۷.

۸. أبأ الخیل، السلفية، ص ۲۸؛ شقره، هی السلفية، ص ۱۷.

مانند ابوحنیفه، پیشوای اصحاب رأی نیز تعمیم داده‌اند.^۱ گروه اندکی حتی شخصیت‌های برجسته متأخر از جمله ابوحامد غزالی (متوفای ۵۰۵ق)، ابن تیمیه (متوفای ۷۲۸ق)، ابن قیم جوزیه (متوفای ۷۵۱ق) و محمدبن عبدالوهاب (م ۱۲۰۶ق) را از اعضای سلف برشمرده‌اند.^۲ از نظر برخی دیگر، سلف از ابوحنیفه تا محمدبن حسن شیبانی، خلف از محمدبن حسن تا شمس الائمه حلوانی و متأخران نیز مجتهدان دینی بعد از آنها از شمس الائمه حلوانی تا حافظ الدین بخاری^۳ را در بر می‌گیرد.^۴

بنابراین از منظر بسیاری از اهل سنت، سلف، صحابه، تابعان و پیروان آنها از پیشوایان مذاهب چهارگانه؛ مانند ابوحنیفه، مالک بن انس (۹۱ یا ۹۳ - ۱۷۹ق)، سفیان ثوری (۱۶۱ق)، عبدالله بن سعید کلابی (۲۴۰ق) و احمد بن حنبل (۱۶۴ - ۲۴۱ق)، محمدبن ادریس شافعی (۲۰۴)، داودبن علی اصفهانی (۲۷۰ق) ابوالعباس قلانسی و حارث بن اسد محاسبی^۵، سفیان ابن عیینة، حمادبن سلمة، حمادبن زید، ابن ابی شیبة، بخاری، مسلم، صاحبان سنن چهارگانه و دیگر عالمانی را در بر می‌گیرد که عامه آنها را از نظر علم و فضل قبول داشته‌اند؛ بنابراین مخالفان مذهب صحابه از جمله خوارج، رافضی‌ها، قدری‌ها، مرجئه و معتزله از شمار سلف خارج‌اند.^۶ در مجموع، سلف در نزد اکثر اهل سنت سه نسل اول مسلمانان، یعنی صحابه پیامبر و نسل‌های بعدی آنها، یعنی تابعان و تابعان تابعان است و احمدبن حنبل نیز آخرین فرد نسل سلف شمرده می‌شود. سلفیه این سه نسل را به دلیل همراهی و هم‌زمانی با پیامبر اعظم ﷺ و در نتیجه، دریافت بهتر کتاب و سنت و خلوص فهم و عملشان، بهترین مردمان امت اسلام و سلف صالح بر می‌شمارند.^۷ مستند اصلی این دیدگاه، روایت خیریه، منسوب به پیامبر گرامی اسلام ﷺ است^۸ که ابن مسعود نقل کرده که: «بهترین امت من، معاصران من و دو نسل

۱. عسقلانی، الدرر الكامنة، ج ۱۳، ص ۲۵۳؛ أبَا الخیل، السلفية، ص ۴۰.
۲. حلمی، قواعد منهج السلفی فی الفكر الاسلامی، ص ۱۷۸.
۳. وی عبدالعزیز بن احمد بن محمد علاء الدین بخاری (م ۷۳۰ق)، فقیه اصولی حنفی که دارای تألیفات متعددی از جمله: الاعلام، الفوائد البهية و الجواهر المضنية است.
۴. تهانوی، موسوعة اصطلاحات والفنون، ج ۱، ص ۹۶۸.
۵. شهرستانی، الملل والنحل، ج ۱، ص ۸۵؛ بغدادی، الفرق بین الفرق، ص ۳۱۸ - ۳۲۲.
۶. همو، الفرق بین الفرق، ص ۳۱۸ - ۳۲۲؛ ابن حزم، الفصل، ج ۱، ص ۳۲۵ - ۳۲۷؛ کثیری، السلفية بین أهل السنة والامامية، ص ۲۲.
۷. ابن اثیر، النهاية فی غریب الاثر، ج ۲، ص ۳۹۰.
۸. مغراوی، المفسرون بین التأویل والاثبات فی آیات الصفات، ج ۱، ص ۱۳؛ بوطنی، السلفیه مرحله زمنیه مبارکه لا مذهب اسلامی، ص ۹.

بعدی آنهاست»^۱. بنابراین هر آن کس که به سیره و سنت این سه قرن اول امت اسلامی پایبند باشد، سلفی است.

اصطلاح سلف، در نگاه شیعه نیز همواره با قید «صالح»، به کار رفته است. از دیدگاه دانشمندان شیعه نمی‌توان همه صحابه را عادل و سلف صالح دانست و بدون دلیل از آنان پیروی کرد. عمل خود صحابه و تابعان، دلیل و گواه روشن این مدعاست. بنا به گواهی بسیاری از آیات قرآن کریم^۲ و نیز اختلافات، تعارض‌ها و جنگ‌هایی که میان صحابه شکل گرفت، نمی‌توان قائل به عدالت همه صحابه شد، چه رسد به تابعان و تابعان تابعان که حتی از نظر برخی اندیشمندان اهل سنت نیز هیچ تفاوتی میان آنها و دیگران نیست؛ به همین دلیل، ابوحامد غزالی می‌گوید: «آنچه از پیامبر ﷺ به ما رسیده، آن را با تمام وجود می‌پذیریم و آن را که از صحابه رسیده، پاره‌ای را پذیرفته و برخی دیگر را وانهاده؛ اما در خصوص تابعان، باید گفت که ایشان صاحب‌نظرند و ما نیز صاحب‌نظریم»^۳.

البته شیعه همواره به صالحان از صحابه و تابعان اعتماد داشته‌اند و دست‌کم سه تن از پیشوایان شیعیان، بر اساس تعریف اهل سنت از صحابه، در ردیف بهترین صحابه، و دیگر پیشوایان شیعه نیز در زمره تابعان قرار می‌گیرند؛ بدین معنا شیعیان نیز پیرو سلف صالح‌اند. این شاید بدان جهت است که به گروهی از اخباریان شیعه، سلفیه اطلاق شده است.^۴ البته روشن است اصطلاح رایج اهل سنت، در خصوص اخباریان شیعه صدق نمی‌کند؛ زیرا اخباریان شیعه تنها امامان معصوم و صالحان صحابه را سلف صالح بر می‌شمارند؛ با این تفاوت که از نظر آنان، قول پیشوایان معصوم اعتبار استقلالی دارد، ولی روایات دیگران در صورت استناد و اتصال به معصوم، معتبر قلمداد می‌شود. از این رو باید توجه داشت مفهوم سلف در اصطلاح اهل سنت و شیعه کاملاً متفاوت است.

بنا بر آنچه گذشت، سه قرن نخست اسلامی با ملاحظه تقدم زمانی، شاخص اصلی شناخت سلف محسوب می‌شود؛ البته باید توجه داشت در شکل‌گیری اصطلاح سلفی، دو عنصر معنایی و زمانی نقش داشته است؛ از این رو برای شناخت دقیق این اصطلاح باید به این دو عنصر به صورت توأمان توجه کرد. عنصر معنایی و وصفی بر سن، ایمان، علم و فضل تکیه دارد که بر پایه این

۱. این روایت، در فصل چهارم همین کتاب: بررسی مبنا شناختی جریان تفسیر سلفی ص ۲۰۶، بررسی شده است.

۲. مانند منافقون، ۱.

۳. غزالی، احیاء علوم الدین، ج ۱، ص ۷۸.

۴. شهرستانی، الملل والنحل، ج ۱، ص ۱۴۷.

نمی‌توان صرف صحابی یا تابعی بودن را ملاک قرار داد؛ زیرا یکی از شاخص‌های سلفی، عنصر صلاح، علم و فضل است. عنصر زمانی سه نسل اول نیز به تنهایی برای شناخت سلف صالح کفایت نمی‌کند؛ مگر آنها کسانی باشند که اندیشه‌شان بر اساس کتاب و سنت باشد؛ از این رو برخی از دانشمندان اهل سنت، عنصر زمانی و تاریخی را به تنهایی برای اطلاق سلف کافی ندانسته، بر آن‌اند که افزون بر آن، سلف به کسی اطلاق می‌شود که با روح کتاب و سنت نیز مخالفت نداشته باشد؛ پس کسی که مخالف کتاب و سنت است حتی اگر در سه قرن نخست هم زیسته باشد، سلفی و مصداق سلف صالح به شمار نمی‌رود.^۱ بنابراین، معنای سلف از نظر لغوی یک معنای نسبی است؛ زیرا هر زمانی نسبت به آینده خود، سلف است.

با توجه به دیدگاه‌های مختلف درباره سلفیه، می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که سلفی به کسی اطلاق می‌شود که معتقد به پیروی از سلف است و این عنوان، مختص به یک زمان و مقطع خاص نبوده و بر هر شخص یا گروهی که مدعی پیروی از سلف (صحابه و تابعین) بوده‌اند و نیز هر کسی اطلاق می‌شود که به روش آنها عمل کند.^۲

ممکن است گفته شود با توجه به اینکه در زمان پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله سلف وجود نداشته و همه نسبت به آن حضرت خلف به شمار می‌رفتند، به مفهوم سلف اشاره نشده است؛ اما باید گفت با توجه به جهانی بودن و خاتمیت دین اسلام، اگر مفهوم سلف، دارای ویژگی خاص تشریحی بود، پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله باید به آن اشاره می‌کردند؛ همان‌گونه که آن حضرت درباره بسیاری از مسائل آخرالزمان و فتنه‌های آن هشدار داده‌اند. بی‌گمان در صورت وجود جایگاه خاصی برای سلف، هرگز این امر از نگاه جامع پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دور نمی‌ماند.^۳ افزون بر آن، این اصطلاح حتی در زمان صحابه و تابعان نیز به معنای مورد نظر سلفیه به کار نرفته است.

ب) سلفیه در اصطلاح معاصر و خاص

اصطلاح سلفیه در دوران معاصر از آن دسته اصطلاحاتی است که طیف‌ها و جریان‌های مختلفی را در بر می‌گیرد و بیشترین بدفهمی‌ها را در جامعه اسلامی ایجاد کرده و منشأ ظهور جریان‌های افراطی و قشری‌گری و هابی از یک سو و جریان‌های نوگرای اسلامی از سوی دیگر

۱. مغراوی، المفسرون بین التأویل والاثبات فی آیات الصفات، ج ۱، ص ۱۴.

۲. صالح، الفرق والجماعات الاسلامیة المعاصرة وجدورها التاريخیة، ص ۱۵۷؛ سیسی، المدرسة السلفية فی

التفسیر، ص ۲۵-۲۷. ۳. علیزاده موسوی، سلفی‌گری و وهابیت، ص ۳۷.